

بررسی شاخصه های رویکرد سیاسی اجتماعی محمد جواد مغنیه در الکاشف با نگاهی به جریانات

سیاسی اجتماعی معاصر

چکیده:

یکی از ویژگی های تفاسیر معاصر، اتخاذ رویکرد سیاسی - اجتماعی است که به همه آیات قرآن از زاویه طرح و حل مسائل و مشکلات اجتماعی جوامع بشری می نگرد و هدفش عرضه مسائل اجتماعی بر قرآن و یافتن راه حل ها و درمان آن ها و سوق دادن جوامع به سمت تحول و پیشرفت می باشد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی از منابع کتابخانه ای، شاخصه های رویکرد سیاسی اجتماعی محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف، مورد واکاوی قرار داده است. نتایج بررسی نشان می دهد که دغدغه اصلی مغنیه در تفسیر قرآن کریم، متجلی ساختن کلام الهی در متن زندگی بشر بود و راه حل های نظام مند و کارآمدی را برای مسائل و پرسش های نو پدید حیات انسانی، منطبق با واقعیت های عینی زندگی اجتماعی از قرآن جستجو می کرد. داشتن اندیشه تقریبی، مقابله سیاست های استعماری آمریکا، تشویق بر مبارزه، پشتیبانی از آزادی خواهان، غرب ستیزی، مبارزه با صهیونیسم و توجه به نظارت همگانی، از جمله شاخصه های رویکرد سیاسی اجتماعی او محسوب می شود که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مغنیه، الکاشف، شاخصه ها، رویکرد، سیاسی - اجتماعی

مقدمه:

قرآن کریم معجزه ی الهی و جاودان رسول اکرم (ص) از جانب خداوند متعال برای هدایت بشر نازل شده و متضمن سعادت دنیوی و اخروی بشر است و در معرفی خود می فرماید:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (اسراء/۹). همچنین می فرماید: «ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین. (بقره/۲). این کتاب هدایت و روشنگر از چنان مفاهیم عمیق

۱ - همانا این قرآن (انسان) را به درست ترین و استوارترین دین و آیین هدایت می فرماید و مومنان نیک کردار را به پاداشی بزرگ بشارت می دهد

۲ - این کتاب بدون هیچ ابهامی روشنگر راه تقوا پیشگان است.

و پیچیده ای برخورد دار بوده که با تحقیق و مطالعه بیشتر، اسرار آن آشکارتر شده و هر روز حقایق زیبا و تازه تری از آن کشف می گردد. در این راستا با بکارگیری قواعد تفسیر، معانی قرآن بیان و حکمت‌های آن استنباط می گردد و مراد و منظور خداوند متعال که در آیه پنهان می باشد، به اندازه توان بشر؛ فهمیده می شود، اگر چه احاطه به تمام معانی و منظور خداوند به طور مطلق برای هیچ کس امکان پذیر نیست.

تفسیر قرآن می تواند رویکردهای مختلفی داشته باشد که یکی از آنها رویکرد سیاسی اجتماعی است. مفسران متعددی به خصوص در قرن حاضر با این رویکرد به سراغ قرآن رفته اند که یکی از آنها محمد جواد مغنیه صاحب تفسیر الکاشف است. او در تفسیر آیات قرآن تا اندازه بسیاری تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی است و در جای جای آیات قرآن به طرح مسائل سیاسی و جنایات و دسیسه های اسرائیل در تحریف اسلام و قرآن می پردازد از کشتار کودکان و افراد ناتوان جامعه به دست یهودیان در جنگ ۱۹۶۷ سخن می گوید اهداف اسرائیل و حامیان آن را افشا می کند و عملیات شهادت طلبانه را برای دفاع از وطن بهتر از زندگی با ذلت و خواری می داند. توجه نویسنده الکاشف به مسائل سیاسی و اجتماعی و آیاتی که درباره بنی اسرائیل است به گونه ای است که تنها افشاگری ها و روشننگری های مغنیه درباره بنی اسرائیل، کتابی با عنوان (اسرائیلیات القرآن) را شکل داده است.

با توجه به تاثیر گذار بودن این تفسیر در جریانات فکری معاصر و همچنین تاثیر که در دو فضای شیعی و سنی از خود بر جای نهاد به تحلیل انتقادی و بررسی گرایش اجتماعی سیاسی محمد جواد مغنیه در الکاشف پرداخته می شود تا به این سوالات پاسخ داده شود که علت گرایش محمد جواد مغنیه به بحث های سیاسی و اجتماعی چه بوده است؟ چه شباهت هایی در گرایش اجتماعی، سیاسی محمد جواد مغنیه در الکاشف با مفسران معاصر سنی مانند سید قطب وجود دارد؟ و در نهایت شاخصه های رویکرد سیاسی اجتماعی محمد جواد مغنیه در الکاشف را مورد واکاوی قرار دهیم. برخی از این شاخصه های عبارتند از:

۱- داشتن اندیشه تقریبی

تقریب مذاهب اسلامی اندیشه ای که در پی نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی (به ویژه شیعه و سنی) و رفع پیامدهای اختلافات آنها است. این اصطلاح مربوط به قرن چهاردهم هجری قمری است هر چند پیش از آن نیز اقداماتی درباره تقریب مذاهب اسلامی انجام گرفته است. پرهیز از تکفیر پیروان مذاهب اسلامی و پرهیز توهین به مقدسات آنان از زمینه های تقریب مذاهب دانسته شده است. همچنین تعصب، جهالت و توطئه دشمنان

اسلام را از موانع آن ذکر کرده‌اند. برای اثبات مشروعیت تقریب به آیاتی از قرآن استناد شده است. برای تقریب مذاهب اسلامی اقدامات مختلفی انجام شده است. از جمله تأسیس نهادهایی همچون دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه (۱۳۱۷ش) و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی (۱۳۶۹ش). همچنین برگزاری کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، انتشار کتاب تقریبی، صدور فتواهایی در حرمت اهانت به مقدسات دیگر مذاهب و جواز عمل بر طبق آنها از دیگر اقدامات تقریبی است.

نخستین شاخصه‌ی رویکرد سیاسی اجتماعی محمد جواد در تفسیرالکاشف به داشتن اندیشه وحدت و اعتقاد به انسجام اسلامی بر می‌گردد. طرح اندیشه «وحدت جهان اسلام» یکی از مشغولیت‌های فکری ایشان بود و زندگی او گواهی می‌دهد که که لحظه‌ای از آن غفلت نرزدید. همین وفاداری همه جانبه و دایمی به «وحدت» بود که اوراد نزد مسلمانان به برجسته‌ترین شخصیت انقلابی جهان اسلام تبدیل نمود. این شخصیت ضمن نگرش جامع و کلان بسیار عالمانه و فنی ابعاد گوناگون وحدت را در دو بخش نظری و عملی پیاده نمود.

مغنیه بر این باور بود که خودشناسی جمعی و آسیب شناسی هویتی برای هر جامعه‌ای ضرورت دارد، خصوصاً مسلمانان که با وجود دستیابی به امکانات وسیع و منابع و ذخایر انرژی و نیروی انسانی بالا بعضاً در سطح جهانی منفعل و متأثر از دیگران هستند. بنابراین بررسی آسیب شناسانه برای شناخت ریشه‌های اختلاف و افتراق کاملاً ضرورت دارد.

مغنیه در جای جای تفسیر خود به این امر مهم پرداخته اند از جمله در تفسیر آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) مغنیه می‌نویسد: «حبل در اینجا منظور اسلام است، مسلمان تا وقتی که پیرو دین واحد، پیامبر واحد و کتاب واحد است، نیرومندی او نیرومندتر از رابطه‌ی نسبی است. مغنیه تأکید می‌کند که هر مجتمعی لزوماً با ارزش نیست. اجتماعی ارزش دارد که برای رضای خدا و صلاح مردم تشکیل شده باشد و سودی بر آن مترتب است». (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۱).

در شان نزول این آیه گفته اند که این آیه درباره دو طایفه اوس و خزرج نازل شده که صد سال در میان آنها نزاع و کشمکش بوده و نسل بعد نسل در اوقات شب و روز میان آنها جدال و نزاع برقرار بود تا این که

^۱ - همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید.

خداوند پیامبر اسلام را به ظهور رسانید و آنان، بدین اسلام گرویدند و از برکت آن، کینه و دشمنی از میان آنان رخت بریست و با هم برادر شدند (حویزی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۲۲).

قرآن به مسئله اعتصام به حبل الله به عنوان عامل وحدت و بازدارنده از تفرقه اشاره می کند؛ زیرا تفرقه چیزی به جز فروپاشی جامعه و اتحاد انسانی نیست. جامعه ای که در محور هدف واحد و روش واحد برای دست یابی به هدف خاص شکل می گیرد و با تداوم اتحاد و جلوگیری از تفرقه به آن معنا و مفهوم واقعی می بخشد.

مغنیه با یادآوری تلاش های پیامبر اکرم (ص) در ایجاد وحدت و انسجام و ضرورت الگوبرداری از این عمل شایسته، هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و برقرار کردن برادری در میان اصحاب را خاطر نشان می کند. از نظر او رهبران عرب و مسلمانان نیز باید با یکدیگر رابطه برادری برقرار کنند و دل ها را با یکدیگر پاک و صاف سازند و برای رویارویی با دشمن وحدت کلمه داشته باشند؛ چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از رویارویی با مشرکان چنین کرد و اگر کسی جز این راه، از راه دیگری برود، در کنار اسرائیل قرار گرفته و بخواهد یا نخواهد، آرزوی او را تحقق بخشیده است. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۲).

بنابراین به این نتیجه می رسیم که این شخصیت در آثار خود به وحدت و انسجام اسلامی اهتمام زیاد داشت و از تفرقه مسلمانان بدست دشمنان و برخی مسلمانان ناآگاه ناراحت بود. درد او ایجاد گسیختگی در بین دولت ها و ملت های مسلمان است و اگر چه آرزوهای آنان به تحقق نرسید ولی همچنان به عنوان یک نظریه قابل طرح و پیگیری است. او سعی در ایجاد انسجام و اخوت و وحدت داشتند و از اینکه برخی بر طبل تفرقه و ایجاد نقار بین مردم خود مشغول بودند رنج می برد.

۲- مقابله با سیاست های استعماری و استکباری آمریکا

استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان ها و ملت های دیگر را دارد، در همه ی کارهای آنها مداخله می کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می داند، حق تحمیل بر ملت ها را برای خود قائل است، حق دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست؛ این معنای مستکبر است. نقطه ی مقابل این جبهه ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می کنند؛ مبارزه ی با

استکبار یعنی چه یعنی در درجه ی اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ و خم دار پیچیده ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است.

مغنیه قائل به مقابله با استکبار و توسعه طلبی های غرب بویژه دولت آمریکا هستند. مغنیه، زبان تندی بر علیه غرب و اذتاب او بویژه دولت غاصب اسرائیل دارد و به نظر او اسرائیل بازیچه دست آمریکاست تا نگذارد مسلمانان به موفقیت برسند و مبارزات او باعث نگرانی دولت آمریکا شد به نحوی که خواستار گفتگو با رژیم شد. اما مغنیه با اشاره به دشمنی های زیاد آمریکا با مسلمانان و حمایت از جنایت اسرائیل در به قتل رساندن فرزندان فلسطینی و آواره کردن آنها، به این دعوت پاسخ منفی داد و حاضر نشد به دیدار او در ناوگان ششم برود. (مغنیه، ۱۳۸۳، ص ۳۸۶) این واکنش انقلابی و شجاعت شیخ مغنیه باعث شد که جراید آن روز از او به عنوان «هذا عربی عزیز» یاد کنند. (همان، ص ۳۸۷).

مغنیه در تفسیر کاشف از هر فرصتی برای توجه دادن خواننده به دسیسه های غربی ها استفاده می کند. او در مقدمه کتاب تفسیر، غرب را عامل حمله به ارزشهای اسلامی و باورهای مسلمانان می داند و برای بی اثر کردن این هجمه پیشنهاد می کند که در مدارس باید به دانش آموزان اسلامی واقعی را شناساند و روحانیون باید در این راستا ارتباط نزدیکی به روحانیون داشته باشند و با اسلام بهتر و بیشتر آشنا شوند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸).

این است که، آمریکا و سیاست های استکباری و توسعه طلبانه آن همواره ذهن مغنیه را به شدت مشغول ساخته بود و از جنایاتی که در اقصی نقاط جهان به خصوص در جنگ با مردم ویتنام مرتکب شده بود چشم پوشی نمی کرد (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۶۴). از نظر او دولت استکباری آمریکا و انگلیس خطر اصلی جهان اسلام هستند و اسرائیل هم ابزاری در دست آنها برای ایجاد فشار و سرکوب مسلمانان می دانست. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۸۸) و در بعضی از کتاب های استعمار را خطر اصلی معرفی (مغنیه، ۱۴۲۲، ص ۱۷۰)

مغنیه اعتقاد داشت که، اشکال اساسی مسلمانان در این است که اعتماد به نفس خود را در مقابل زور گویان و استکبار جهانی از دست داده اند و بعضا مرعوب قدرت نظامی غرب شده اند. اما اگر این خود باوری شکل بگیرد می تواند مانع بزرگی برای جلوگیری از تمامیت خواهی و انحصار طلبی آنها باشد، چیزی که دشمنان از آن واهمه دارند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۵).

مغنیه برای اثبات ادعای خود به اظهار نظرهای نویسندگان مطرح آمریکایی مثل نیکولاس اسپیکمن در کتاب خود به نام استراتژی آمریکا در سیاست جهانی و لیو ویلیچ اشاره می کند که با صراحت گفته اند: ما آمریکاییان مجاز هستیم که از طریق هر نوع جبر و فشار و از آن جمله ، از راه جنگ های ویرانگر خواسته خود را دیکته کنیم و با زور و نیرو آن را بر کسانی تحمیل کنیم که نیرو ندارند وظیفه ماست که رهبری مثبت خود را، از لحاظ سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ، با نیرو در جهان جامه عمل بپوشانیم و این نباید تا وقت معینی باشد، بلکه وظیفه ای همیشگی است که کوتاهی در آن روا نیست. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۵).

مغنیه در تفسیر آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال/۶۰) می گوید آنچه جامعه بشری را از هرج و مرج نگه می دارد و به ستمگران زورمند اجازه نمی دهد که زندگی مردم را بازیچه خود قرار دهند و از آنان بهره کشی کنند. این است که حق طلبان و عدالت خواهان نیرویی در اختیار داشته باشند و آنان با این نیرو جلو ستمکاران و باطل گرایان را بگیرند و نیز آنها را وا دارند تا به حکم خدا و آیین او گردن بنهند؛ آیینی که تمام مردم را فرا می خواند تا بر طبق قوانین و سنت های هستی زندگی کنند و هیچ کس از آن انحراف پیدا کند و چنانچه کسی بخواهد این قوانین را زیر پا بگذارد، این نیرو او را وادار سازد که به این سنت ها و قوانین برگردد. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵).

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله یکی از مصادیق سخن خدای عز و جل در مورد آمادگی نظامی را تیر اندازی می داند. (بحرانی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۰۶). اعتراض و خشم مغنیه به دولت آمریکا باعث نشد که از جنایات و ابرقدرت دیگر یعنی شوروی سابق غافل شود. مغنیه به وضوح می داند که تقابل این دو کشور قدرتمند، جنگ زرگری بیش نیست. این است که هشدار می دهد: همزیستی مسالمت آمیزی میان اتحاد جماهیر شوروی (= سابق) و ایالات متحده برقرار شد که پیامد آن طراحی توطئه ها و کودتاهایی در کشورهای غیر متعهد به منظور تامین منافع خود بوده است و نیز ضربه زدن به روند آزادی خواهی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ، تا با ریختن خون ملت ها و

۱ - و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید

۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ ، قَالَ: «الرَّمْيُ»

چپاول ثروت و در دست گرفتن سرنوشت آنها بر سود شرکت های احتکاری خود بیفزایند (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۷).

همچنین در تفسیر آیه: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَن مِّنْهُمْ قِسِّيَّيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مائده/۸۲).

مغنیه از برخی برداشت ها و تفسیر از آیه گلاویه می کند که گفته اند در این آیه خداوند متعال از یهود انتقاد کرده ولی از نصاری تمجید نموده که نصارای با مسلمین عداوت و دشمنی ندارند و از لحاظ اخلاقی اهل استکبار و گردن کشی نیستند. مغنیه این نوع برداشت را تخطئه می کند و می گوید که بزرگترین حامی رژیم صهیونیستی همین آمریکا و دول غربی به ظاهر مسیحی هستند که اساسا پایه و بنیان یهودیان را در قلب مسلمانان بوجود آوردند و برای همیشه اختلاف و تشتت را بین مسلمانان تحمیل نمودند. اینکه مسیحیان از یهودیان مهربانتر هستند، فریبی بیش نیست و مسلمانان باید هوشیار باشند که در دادم حرف های فریبنده آنها گرفتار نشوند و برخی از این مسلمانان هم باید از نادانی و کوتاه فکری دست بردارند و بیشتر از این مسلمانان را خوار و ذلیل نکنند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۱).

مغنیه در تفسیر آیه: «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» (مائده/۶۴) و در تحلیلی بر وقایع پنجم ژوئن می گوید که علیرغم تلاش زیاد استکبار و آتش جنگی که آمریکا و اذنازش روش کردند، اما خداوند کاری کرد که آنها از رسیدن به اهداف شوم خود ناکام گردیدند. دلیل آنهام اعتراف آنها در رسانه های خود است که با صراحت گفتند ما به اهداف خود در این جنگ افروزی ها دست نیافتیم و نتوانستیم به جنبش آزادی خواهانه مسلمانان و اعراب ضربه بزنیم و یا مساله فلسطین را یک جانبه حل کنیم و بالاخره مسلمانان را تسلیم شروط خود نمائیم.

^۱ - هر آینه دشمن ترین مردم نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت، و با محبت تر از همه کس به اهل ایمان آنان را که گویند: ما نصرانی هستیم. این (دوستی نصاری نسبت به مسلمین) بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و تکبر و گردنکشی (بر حکم خدا) نمی کنند.

^۲ - هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت،

دستاورد قضیه پنج ژوئن یک دستاورد ملموس داشت و آن اینکه صف بندی های دوستان و دشمنان را مشخص کرد و نشان داد که چه کسانی حامی واقعی مردم فلسطین هستند و چه کسانی می خواهند از این آب گل آلود ماهی خود را بگیرند و جز منافع خود به چیز دیگری فکر نمی کنند (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۹).

این بود برشی از برخورد این اندیشمند با سیاست های آمریکا که مسلمانان را از مکاید آنها روشن می کند و به ملت های مسلمان اعتماد بع نفس می دهد که از قدرت های آنها هراسی نداشته باشند.

یکی دیگر از شاخصه ی رویکرد سیاسی اجتماعی محمد جواد در تفسیرالکاشف که می توان ذیل مبارزه با استعمار بیان کرد، در باره رژیم صهیونیستی اسرائیل و مسائل پیرامونی آن است. در آیه مبارکه «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^۱ (اعراف/۱۵۹) عده ای خواسته اند وانمود نمایند که قرآن از یهود تجلیل کرده و بدینوسیله چهره یهود را تطهیر کنند اما مغنیه جواب می دهد که قرآن مجید اشاره به واقعیتی می کند که شبیه آن را در قرآن بسیار دیده ایم واقعیتی که حکایت از روح حق طلبی قرآن دارد، و آن احترام به موقعیت اقلیتهای صالح است .

بنابراین، به نظر می رسد افرادی از قوم موسی علیه السلام که در آیه فوق مورد تمجید قرار گرفته اند، بعدا از بین رفته باشند و اثری از آنها نیست. این آیه چیزی از فساد و ستمکاری قوم یهود نمی کاهد چرا که تعداد آن افراد خیلی کم بوده به نحوی که لفظ قوم در مورد آنها بکار نمی رود، ثانیاً تعبیر «و من قوم موسی» به یک اصلی اشاره دارد که بالاخره هر کلتی هم تخصیص بردار است و با این مورد جزئی، کلیت از بین نمی رود. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۷).

مغنیه در ادامه سئوالی را طرح می کند که امکان دارد اینگونه بگویند که قبول داریم سیاست های رژیم صهیونیستی ظلم و ستم بر بشریت و اعراب و مسلمانان است و اینها یک حزب خطرناک برای جامعه بشری هستند، اما چه ربطی به یهودیان دارد؟ دین یهود چیزی و اعمال فاشیستی صهیونیست ها چیز دیگر است و نباید این دو را با هم خلط کرد.

بلافاصله جواب می دهد که همانگونه که کرارا گفته ایم فساد و جنایت جزء ذات اینهاست و خود اینها این سئوال و ابهام را به راه انداخته اند تا امر بر عده ای بی بصیرت مشتبه شود. بر فرض هم که تفاوتی بین یهود

^۱ - و از قوم موسی ، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند و به حق و عدالت حکم می نمایند.

و صهیونیزم قائل باشیم، اما اعمال و رفتار آنها را چگونه توجیه می کنید که عملاً با حمایت مادی و غیره روز بروز حزب جنایتکار صهیونیستی را کمک و پشتیبانی می کنند و از کارهای آنها ناخشنود نیستند و محکوم نمی کنند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳ ص ۳۹).

همچنین در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»^۱ (مائده/۵۱) علت تنفر مسلمانان از یهود را این می داند که آنها در داخل خانه های ما با ما جنگیدند و زنان و کودکانمان را از آن بیرون کردند؛ چنان که سبب اصلی دشمنی ما با ایالات متحده آمریکا و انگلستان و سایر دولت های استعماری، که از اسرائیل پشتیبانی می کنند، آن است که این کشورها از اسرائیل پشتیبانی کردند تا فلسطینی ها را از خانه هایشان بیرون کنند. اینک بار دیگر سخن خدا را، که خطاب به مسلمانان است، تکرار می کنیم جز این نیست که خدا شما را از دوستی ورزیدن با آن که با شما در دین جنگیده اند و از سرزمین خود بیرونتان رانده اند یا در بیرون راندنتان همدستی کرده اند باز دارد. و هر که با آنها دوستی ورزد از ستمکاران خواهد بود (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳ ص ۵).

در تفسیر روح المعانی آمده است که: این آیه بعد از غزوه احد آمد، بدین شرح وقتی که در جنگ مزبور مسلمین شکست خوردند از مشرکین می ترسیدند. یکی از آن میان می گفت: من به یهودیان پناه می برم و از ایشان امان خواهم خواست. دیگری می گفت: من به شام می روم و از مسیحیان امان خواهم خواست سپس این آیه نازل گردید. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۲۴).

مغنیه هشدار می دهد که عدم سستی در برابر دشمن صهیونیستی ضامن پیروزی است و از مهم ترین چیزهایی که فرمانده خردمند بر آن تاکید دارد این است که روح معنویت به سپاه او حاکم و در سطح بالا باشد و آن ترس و سستی به خود راه ندهند؛ زیرا پیروزی تنها مرهون نیروی ظاهری نیست، بلکه پیش از هر چیزی به پایداری و اراده نیرومند بستگی دارد. دشمن از این که تصمیم گرفته ای علیه او مقاومت کنی، بیشتر می ترسد تا از مسلح شدن به کشنده ترین سلاح ها. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷).

^۱ - ای اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، آنان بعضی دوستدار بعضی دیگرند، و هر که از شما مؤمنان با آنها دوستی کند به حقیقت از آنها خواهد بود؛ همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود.

سپس علت این نهی را بیان کرده و می‌فرماید «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» یعنی یهود و نصاری به علت کافر بودنشان یکدیگر را حمایت و یاری می‌کنند (بیضاوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۳۰). اما از طرف دیگر علاوه بر شرارت یهود در ایجاد مشکلات برای مسلمانان، معضل مهم دیگری را مطرح می‌کند و آن بی‌لیاقتی برخی از سران دولت‌های اسلامی است. رویدادهای، به ویژه شکست نکتب بار پنجم ژوئن ۱۹۶۷ میلادی (اشاره به جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل) ثابت کرده است که مشکل عرب‌ها و مسلمانان تنها وجود اشخاص بی‌کفایت در مرکز قدرت (یعنی دولت‌ها) می‌باشد و این امری است که با گذشت روزگار، برطرف خواهد شد. (همان، ص ۳۵).

از نظر مغنیه یهودیان فعلی هیچ تفاوتی با یهودیان زمان گذشته و در زمان پیامبران سابق ندارند. همان لجاجت و خونریزی و گردن‌کشی و فساد را بعینه بلکه بالاتر دارند و نسبت به مسلمانان کینه دیرینه دارند و اگر قدرتی پیدا کنند از هیچ تعدی و جنایتی نسبت به مسلمانان دریغ نمی‌ورزند.

این واقعیت مبین آن است که جنایت و ظلم و ستم جزء ذات و سرشت آنهاست و از آنها جدا شدن نیست. تحولات زمانه هم نمی‌تواند تغییری در فطرت آنها بگذارد. چون با این خصیصه بزرگ شده‌اند و باکی هم از ابراز و طرح آن ندارند. اگر چه از باب «ما من عام الا و قد خص» امکان دارد افرادی از اینها از این ویژگیها فاصله گرفته باشند اما این استثناء به کلیت موضوع آسیبی نمی‌زند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸).

مغنیه با ذکر ویژگی‌های یهودیان، آنها را مردمی بخیل که هیچ کس در بخل ورزی به گرد پای آنها نمی‌رسد، توصیف کرده و آنها را افرادی تهی از سخاوت معرفی کرده است. به نظر وی یهودیان فقط به دنبال سود مادی هستند اما این روزها بهترین سود به قتل رساندن یک عرب است. برای آنها کودک و پیر و سالخورده هم تفاوتی ندارد. آنها از کشته شدن اعراب متأثر و ناراحت نمی‌شود بلکه برعکس خوشحال می‌شوند که یک عرب که مزاحم توسعه طلبی آنهاست از بین برود. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۹).

مغنیه با اشاره به کشتار یهودیان برای مظلوم‌نمایی و مهاجرت و پیوستن به سرزمین اسرائیل افشا می‌کند که رهبران صهیونیسم در یک زد و بند سیاسی با نازی‌ها قرار گذاشتند که با ارائه آمارهای دروغین و ایجاد

۱ - «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» إِيْمَاءٌ عَلَىٰ عِلَّةِ النَّهْيِ، أَي فَاِنَّهُمْ مَتَّفِقُونَ عَلَىٰ خِلَافِكُمْ يُوَالِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا لِاتِّحَادِهِمْ فِي الدِّينِ وَاجْمَاعِهِمْ عَلَىٰ مُضَادَّتِكُمْ

ترس در یهودیان آنها را برای مهاجرت به فلسطین ترغیب کنند تا بستری مناسب برای بوجود آمدن رژیم صهیونیستی هموار گردد و یهودیان صاحب میهن و کشور مستقلی گردند و فشار را روزبروز بر فلسطینیان زیادتر نمایند تا از ترس جان خانه و کاشانه خود را رها نمایند..(همان).

اینها فقط بخشی از راهبرد ها و سخنان روشنگرانه این متفکر در باره باز کردن مشت صهیونیست هاست.وی در قبال روشنگری در باره جنایات و ترفند ها و شگردهای صهیونیست ها برای شکست دادن مسلمانان، متعهد بود.در این میان بغض و کینه و نهایت عداوت مغنیه از استکبار از بین رفتنی نیست چرا که مغنیه شاهد جنایات آنها در جنگ شش روزه و صحنه های جنایات دیگر در پنجم ژوئن سال ۱۹۶۷ است.

برای همین حساسیت ها و روشنگری ها بود که این دو متفکر جهان اسلام در بین روش های تفسیری، این رویکرد تفسیری آن اسرا انتخاب کردند تا بوسیله آن به مسلمانان راه های نوین حکومت داری، تعاملات اجتماعی و روابط بین المللی را بیاموزند و مدل حکومتی قرآنی را معرفی نمایند.گرچه این نحوه تفسیر قرآن هم اشکالات خود را دارد و یکی از آنها این است که بجای تفسیر سیاسی اجتماعی قرآن، بیشتر اندیشه و گفتمان مفسر مورد توجه قرار گرفته است.

۳- تشویق بر مبارزه

مبارزه مسلحانه و رو در رو از راههایی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مبارزه با مستکبرین در پیش گرفت. بی تردید با مطالعه سیره ایشان می توان گفت مبارزه مسلحانه از آخرین راهکارهایی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن استفاده کرد. مبارزه با مستکبرانی که قصد دشمنی و ضربه زدن به اسلام را داشتند به عنوان یک وظیفه بر دوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان قرار گرفته بود.

تقابل این متفکر در برابر زیاده خواهی های استکبار به صرف بیان خلاصه نمی شد بلکه در عمل افکار عمومی مردم مسلمان را به قیام و احقاق حق و بیداری در برابر دسیسه های آنها دعوت می کرد.در این راستا مغنیه در نوشته های متعدد خود ضمن برملا کردن رفتارهای مزورانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به معرفی ظرفیت های جهاد اسلامی می پرداخت تا روحیه مقاومت را در بین مردم تقویت نماید.(مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۵) مغنیه از هیچ کوششی برای کمک به مردم فلسطین فروگذاری نکرد و در آثارش به مسلمانان گوشزد می کرد که مردم مظلوم فلسطین را فراموش نکنند و حمایت از مظلوم را برای مسلمانان واجب می شمرد.(همان، ج ۲، ص ۴۲۲ و

ج ۴، ص ۴۷) تشویق بر مبارزه با مستکبران در همه آثارش انعکاس یافته و اثری از او نیست که جهاد اسلامی را مطرح نماید. (مغنیه، ۱۹۷۹م، ص ۱۶۳).

از نظر مغنیه جهاد و ستیز با دشمنان اسلام نباید در بین مسلمانان کم رنگ شود و اگر جهاد فی سبیل الله نباشد سایر عبادات و مناسک رسالت خود را پیدا نخواهد کرد. معنا ندارد مسلمانان به مسائل عبادی و شخصی خو بپردازند و از آن طرف هویت و کیان اسلام در خطر افتاده باشد. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۶۱).

و بدین ترتیب این دانشمند بزرگ اسلامی را می بینیم که با شجاعت زیاد به اقتدار و عزت مسلمانان می اندیشد و ضعف و سستی آنها را بر نمی تابد.

۴- پشتیبانی از آزادی خواهان

سخنان روشنگرانه مغنیه دست مایه مسلمانانی شد که از رنج و ستم دشمنان به ستوه آمده بودند و باعث شد که جنبش های انقلابی شکل بگیرد. در این میان تربیت خانوادگی هم بی تاثیر نبود. مغنیه در تحریض و تشویق انقلابیون اهتمام دارد، او در تفسیر سوره انفال از یک روحانی که عملیات شهادت طلبانه فداییان را خرابکار دانسته بشدت انتقاد می کند و می نویسد که متأسفانه عده ای از روحانی نما ها در حالی که مردم فلسطین آواره بیابانها شده اند و دشمن انواع ظلم و ستم را بر آنها روا داشته و سبوعانه به زنان و کودکان بی پناه یورش می برد و در حالی که رزمندگان با کمترین سلاح در حال مقابله با دشمن تا دندان مسلح است، متأسفانه می شنویم که یک نفر به ظاهر روحانی اعلام می کند که رزمندگان مدافع خانه و کاشانه خود تروریست هستند همان حرف احمقانه ای که سران صهیونیست می زنند و انگ خرابکار به رزمندگان غیور فلسطینی نسبت می دهند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۹۲).

مغنیه در راستای روشنگری از جنایات دشمنان و پاسخ دادن به برخی افراد ساده لوح داخلی که متأسفانه عده ای از آنها در کسوت روحانی هستند، می نویسد: «ای آقا! شما با چه استدلالی رزمندگان اسلام را خرابکار و آشوبگر می نامی و صهیونیست ها را با آن پرونده سیاه صلح طلب تلقی می کنی؟ آیا استیفاء حقوق حقه افراد جرم است؟ آیا خود شما وظیفه شرعی و اسلامی خود را می شناسی؟ معلوم است که حرف های تو مبانی عقلی ندارد. بدان که هیچ دین و آئینی دفاع مشروع و مبارزه برای گرفتن حقوق تضییع شده و ایثار و از خودگذشتگی برای کشور خود را مذموم نمی داند.

بنابراین ما با تحمل سختی ها و شدائد در برابر زیاده خواهی های اسرائیل خواهیم ایستاد و از هر گونه بذل جان و مال مضایقه نخواهیم کرد. بعد از هر تحمل سختی آسانی در پیش است و این نوید رهایی بخشی است که قرآن به ما آموخته است. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۹۲).

همچنین وی در نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با آخرین سال زندگی مغنیه مصادف بود کتابی به نام «الخمینی و الدوله الاسلامیه» در تأیید امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران نگاشت.

مغنیه که سعی دارد در هر تحلیلی به حادثه تاریخی آن استناد کند، اقدام انقلابیون و ایثار و شهادت طلبی مسلمانان صدر اسلام را مایه تعجب منافقون و دیگر دشمنان دانسته است. او در تفسیر آیه: «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/۴۹) می نویسد:

«منافقان کسانی هستند که اسلام را بروز می دهند و کفر خود را پنهان می دارند. اما جمله «الذین فی قلوبهم مرض» هم منافقان را در بر می گیرد و هم کافران و فاسقان را. بنابراین، عطف بیمار دلان بر منافقان از باب عطف عام بر خاص است. خداوند متعال از این بیماردلانی که نمی توانستند شجاعت و بی باکی تعدادی محدود از مسلمین را در برابر دشمن ببینند. اینها در پشت شعارهای ظاهری دینی پنهان شده و حاضر نیتند هیچ گونه ایثار و گذشتی در راه دین داشته باشند. نگاه آنان به دین اقتصادی و رسیدن به منافع مادی است و درکی از فرهنگ شهادت ندارند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲).

مغنیه با تاسی به سیره پیامبر اکرم (ص) در کندن ریشه های شرک در جزیره العرب نتیجه گیری می کند که ملت ما باید از این روش متابعت کند و همچون رسول خدا (ص) در راه مبارزه با دشمنان اسلام پایمردی نشان دهیم و از قدرت و ساز و برگ بظاهر قوی آنها ترسی به دل راه ندهیم. اگر روش و منش ما پیامبرگونه نباشد، چگونه خود را عرب و مسلمان می نامیم. (همان، ص ۴۲).

بنابراین برای این شخصیت معرفی تمدن و فرهنگ آمریکا و برملا کردن سیاست های استعماری آنها برای بیدار کردن مسلمانان، کاری به سزا و در خور تحسین است، چرا که عده ای از جوانان در اثر تبلیغات

^۱ - (یاد آر) آن گاه که منافقان و بیماردلان با هم می گفتند که این مسلمین به دین خود مغرور و فریفته اند، و حال آنکه هر کس بر خدا توکل کند خدا غالب مقتدر و داناست.

گسترده امکان دارد به دام آنها گرفتار شوند و از هویت و داشت های خود غافل بمانند. این هویت بخشی و اتکا دادن به سرمایه های اسلامی در نوع خود ارزشمند است.

۵- غرب ستیزی

غرب ستیزی یکی از مهم ترین رویکردها در نگاه ایرانیان به غرب است که در دوره معاصر تکوین یافته و به گفتمان غالب تبدیل شده است. نگرش های بدبینانه به غرب در دهه های ۴۰ و ۵۰ از ناحیه نیروهای اجتماعی ویژه روشنفکران و نخبگان در قالب یک روایت پردازی تفاوت با غرب به حیات استعاری خود ادامه دادند و به صورت یک گفتمان ضد قدرت، بازتولید و زمینه ساز گفتمان غرب ستیزی شدند. یکی از گونه های بررسی پدیده های سیاسی، تحلیل آنها بر اساس روش تحلیل گفتمانی است.

مبارزه با فرهنگ غرب یکی دیگر از شاخصه ی رویکرد سیاسی اجتماعی محمد جواد در تفسیرالکاشف را به نمایش می گذارد. وی چالشی اساسی با اندیشه های وارداتی از غرب و از روشنفکرانی که فریفته و مفتون اندیشه های غربی بودند داشتند. در هر صورت نقد غرب و مدرنیته غربی در گفتمان سیاسی مغنیه بسیار برجسته است. البته این به معنای انکار استفاده از فن و تکنولوژی غربی نیست.

مغنیه با علم جدیدی که ابزار سیاست شیطان باشد بشدت مخالفت می کرد و نگران بود که فناوری های جدید هم با ابزار و آلات قدرتمند در اختیار شرور قرار بگیرد و معلوم است که دامنه جنایات آنها به مدد این پیشرفت ها زیاده تر و پیچیده تر شود. سلاح های کشتار جمعی و هسته ای وقتی در دستان این نابخردان قرار گیرد، امنیت و سلامت جامعه جهانی را به خطر می اندازد و روز بروز این مسابقه و قدرت نمائی تسلیحاتی شتاب بیشتری می گیرد. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۴).

انتقاد از دمکراسی و مظاهر غربی در جای جای تفسیر کاشف نمایان است. در تفسیر آیات سوره عنکبوت در باره رفتارهای زشت قوم لوط، دولت های غربی و بخصوص انگلستان را که لایحه ازدواج همجنس را رسمی نموده انتقاد می کند، کار زشتی که حتی طبیعت حیوانات وحشی و حشرات، از آن متنفرند. او پیش بینی می کند که دیر یا زود، نوعی عذاب، دامن این جامعه را خواهد گرفت، همچنان که بر پیشینیان آنان، نازل شد. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۳).

مغنیه در راستای نفی تقلید از غرب و در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران/۱۰۰) هشدار خداوند متعال را به اهل کتاب مطرح میکند که با حق خصومت و مقابله نداشته باشند و مسلمانان را از راه حق منصرف نکنند و همچنین به مسلمانان هم گوشزد می نماید که مواظب دسیسه های اهل کتاب باشند. نمونه تاریخی آن در آتش افروزی یهودیان در بین اوس و خزرج بوده است که به حيله های مختلف این دو گروه را بجان هم می انداختند و فتنه انگیزی می کردند.

مغنیه در ادامه می افزاید که این آیه از یک توطئه بزرگ از طرف برخی از اهل کتاب پرده بر می دارد که تمامی همت خود را صرف ایجاد تشنت و اختلاف بین مسلمانان می نمایند تا وحدت و همبستگی مسلمانان و کشورهای اسلامی شکل نگیرد و آنها با همدیگر جنگ و اختلافات مرزی و غیره داشته باشند و سودای مبارزه با استعمار غرب و اسرائیل از ذهن بیرون کنند. در این راستا متاسفانه برخی از خودی ها هم در دام دسیسه های آنها گرفتار شده اند و به کشور و دین خود خیانت می نمایند و چه بسا گناه اینها کمتر از خود غریبها نباشد. پس آیه مبارکه فوق فقط از جنایت برخی از اهل کتاب سخن نمی گوید بلکه به خیانت عده ای مسلمان نما و عرب نما هم اشاره دارد که دست در دست همدیگر این وضعیت اسفبار را بر مسلمانان رقم زده اند. (همان، ج ۲ ص ۱۲).

مغنیه مسیر دیگری را برای اسیر نشدن در دام غربی ها پیش روی ما باز می کند و آن اینکه، نمی شود ادعای غرب ستیزی و استکبار ستیزی داشت، ولی در عمل با دشمنان اسلام و متحدین سینه چاک غربی ها طرح دوستی ریخت این است که در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (آل عمران/۱۱۸) هشدار می دهد که قرآن فرموده، مبادا مسلمانان از غیر مسلمانان، بدون استثنا، دوست بگیرند.

مفسرین در معنای «بطانه» گفته اند «آستر لباس در مقابل ظاهره، استعاره از کسی یا کسانی است که چسبیده به شخص و مشاور مخصوص و محرم راز باشند و از چشم ها پنهان. واژه «خبل»: بی اعتدالی و ناهماهنگی که

^۱ - ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پیروی بسیاری از اهل کتاب کنید شما را بعد از ایمان به کفر بر می گردانند.

^۲ - ای اهل ایمان، از غیر هم دینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید، چه آنکه آنها از خلل و فساد در کار شما ذره ای کوتاهی نکنند، آنها مایلند شما همیشه در رنج باشید، دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند و محققا آنچه در دل دارند بیش از آن است.

نتیجه تجزیه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است که کار بطانه مستشار خارجی دون المؤمنین می‌باشد، چون بطانه بیگانه می‌کوشد که فرهنگ و اقتصاد و نظام سیاسی اسلامی را منحرف کند و در قالب معهود خود در آورد. (طالقانی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۰۰).

سیوطی در الدرالمشور در باره شان نزول آیه از عبدالله بن عباس روایت می‌کند که بعضی از مسلمین با یهودیان قرابتی از لحاظ دوستی و خویشاوندی و همسایگی و شیرخوارگی داشتند و با این کیفیت با آن‌ها نشست و برخاست زیادی می‌نمودند، این آیه در این باره نازل گردید. (سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۶).

دلیل اظهار نگرانی آیه یادشده فقط در باره موانست مسلمین با دیگران و تضعیف اعتقادی نیست، بلکه هشدار مهمتری را مطرح می‌نماید که آنها کلاً بدخواه شما هستند و هیچ تردیدی در ضربه زدن به شما به دل راه نمی‌دهند. آنها نمی‌خواهند که اسلام با همه برنامه‌های مترقی خود در سرزمین‌های اسلامی تحقق یابد و الگوی سازنده‌ای برای تمامی افراد تحت ستم قرار گیرد. از تحقق حاکمیت اسلامی و پیاده شدن قوانین قرآنی نگرانند و مزورانه اعمال خبثات آمیز خود را پیگیری می‌کنند. آنها از پیشرفت و ترقی مسلمانان اندوهگین می‌شوند و هر گونه اقدامی را برای متوقف کردن چرخ پیشرفت اقتصادی مسلمانان بکار می‌برند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۶).

باید نظر داشته باشیم اگر غرب و استکبار جهانی انواع تحریکات را علیه مسلمانان بکار می‌برند و تکبر می‌ورزد و با خودبرتربینی به تضعیف مسلمین و پیش بردن اهداف استکباری می‌پردازد. بخاطر طینت و شالوده فکری او وزائیده فرهنگ و منش آنهاست که در طول سالیان زیاد بوجود آمده است. بنابراین تظاهرات رفتاری اینها را باید در فرهنگ آنها جستجو کرد.

تلاش علمی این متفکر برای ما آنوقت اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم او با طرح هنرمندانه معارف اسلامی عملاً غرب را از رسیدن به اهدافش که همان رخنه در باورهای مسلمانان و تسلیم کردن در برابر نظریه‌های نوسازی و توسعه‌گرایی، ناکام گذشت و با صدای بلند فریاد برآورد که مسلمانان نباید تسلیم سیاست‌های تحمیلی غربی‌ها شوند و منفعل عمل کنند بلکه باید بصورت فعال و فرا فعال خود، ابتکار عمل را در دست بگیرند و با ابداع نظریه و طراحی منشور مبارزه، اجازه جولان یک سویه به نظریه پردازی غربی‌ها ندهند.

^۱ - ابن ابی حاتم عن ابن عباس قال قال رجال من المسلمین یواصلون رجلاً من یهود لما کان بینهم من الجوار و الحلف فی الجاهلیة فانزل الله فیهم ینهاهم عن مباطنتهم تخوف الفتنة علیهم منهم

۶- توجه به نظارت همگانی

امر به معروف و نهی از منکر بارزترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر نمودن، اعمال آن برای کارگزاران است. زیرا صلاح آنها به صلاح جامعه و فساد آنها به فساد جامعه منتهی می گردد. اینکه بجای افرادی که در مصادر امورند و خطا و اشتباه آنها در حد وسیعی در جامعه بازتاب دارد به سراغ افراد عادی رفته و آنها را امر به معروف و نهی از منکر نماییم، آدرس غلط دادن و گم کردن مساله است. کسی منکر اجرای این دو از یاد رفته در مورد مردم نیست اما باید در درجه اول مسئولین که امانت داران مردم هستند، آراسته و مزین به اوصاف حمیده باشند تا مردم هم به تبع آنها به وظائفشان متعهد باشند

مغنیه معتقد است که خداوند متعال تفوق مسلمانان را نسبت به دیگران در وجود ایمان و اهتمام به فریضه امر به معروف و نهی از منکر می داند. این است که آیه اینگونه معنا می شود که ای مسلمانان ادعا نکنید که ما بهترین امتها می باشیم، اگر شما امر به معروف و نهی از منکر کنید امت برتر بشمار می آید. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۵). مغنیه در ادامه روایاتی را امام علی علیه السلام در اهمیت این فرضیه یادآوری می کند، مثل:

«الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةٌ لِلْعَوَامِّ ، وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ» (نهج البلاغه کلمات قصار ۲۵۲، ص ۴۰۲) امر به معروف را برای اصلاح کار همگان، و نهی از منکر را برای بازداشتن بیخردان. «اتَّمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَمْرُوا بِهِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ انْهَوْا عَنْهُ» (تمیمی آمدی ۱۳۸۹، ص ۳۳۴). «هم خود به کارهای نیک پردازید و هم دیگران را به آن فرمان دهید و از کارهای زشت دوری کنید و دیگران را هم از آن بازدارید. (همان، ص ۲۱۶).

مغنیه در اهمیت نظارت در فرایند مدیریت بهتر جامعه معتقد است که اسلام برای خود اصول نظارتی در نظام سیاسی و اداری دارد. یک نظارت همگانی که به طور مستقیم به وسیله مردم اعمال می شود و عامل بازدارنده نیرومندی در برابر لغزش مسوئولان محسوب می شود. تمام آحاد مردم این نظارت را بر عهده دارند؛ (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۱).

نتیجه گیری:

قرآن مجید سند نبوت پیامبر اکرم (ص) و کتابی است که از طریق وحی بر رسول گرامی اسلام نازل شده تا برنامه ای جامع و کامل برای بشریت به ارمغان آورد. در این راستا مفسرین با کسب صلاحیت ها و توانائی های

علمی و اتخاذ رویکرد مناسب، منظور و مراد آیات آنرا تفسیر و تبیین می نمایند. یکی از انواع این رویکردها، به سیاسی - اجتماعی نامبردار است و متکفل آن است که آموزه های قرآن در این زمینه را برای استفاده افراد معرفی نماید. از جمله افراد مشهوری که به این رویکرد دست یازیده و بخوبی از عهده آن برآمده، محمد جواد مغنیه اندیشمند و متفکر شیعی لبنانی است که با مساعی صادقانه و تلاشی بی وقفه تفسیری بنام الکاشف را تالیف نموده است. برخی از شاخصه های رویکرد سیاسی - اجتماعی مغنیه در تفسیر الکاشف که در این مقاله مجال سخن یافته عبارتند از، داشتن اندیشه تقریبی، مقابله سیاست های استعماری آمریکا، تشویق بر مبارزه، پشتیبانی از آزادی خواهان، غرب ستیزی، مبارزه با صهیونیسم و توجه به نظارت همگانی.

کتابنامه:

- قرآن کریم، ترجمه، ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات مدرسه امیرالمومنین (ع)، ۱۳۸۶.
- نهج البلاغه، گرد آورنده سید رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات زهد، ۱۳۸۰.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی* المحقق: علی عبد الباری عطیة الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵ ق.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مرکز چاپ و نشر مؤسسه بعثت تهران، ۱۳۷۸.
- بیضاوی؛ ناصرالدین عبدالله، *انوار التنزیل و اسرار التفسیر*، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالحکم*، تحقیق مصطفی درایتی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- حویزی، عبد علی، *تفسیر نور الثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۸ ش.
- سیوطی، جلال الدین، *الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، نشر عروج، ۱۳۶۵.
- مغنیه. محمد جواد *الاسلام مع الحیاه*، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- *من هنا و هناك*، ناشر: دار و مكتبة الهلال - بیروت - لبنان. سال نشر: ۱۴۲۱ ق.
- ، *الکاشف*، ترجمه موسی دانش، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.

-----،كتاب تجارب،قم، انوارالهدى،١٣٨٣ش.

-----،الخميني و الدولة الاسلامية، چاپ اول، دار العلم للملايين، بيروت،١٩٧٩م.

-----،من ذا و ذاك، الناشر، بيروت : دار العلم للملايين،. تاريخ الإصدار،م،١٤٢٤م.